

## حقوق متقابل مردم و نیروی انتظامی ، چالش ها و راهکارها

سلمان آدینه وند<sup>۱</sup> و طارق غنی فتحی<sup>۲</sup>

۱- کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی و کارشناس ارشد اطلاعات s.adinehvand555@gmail.com

۲- کارشناس ارشد و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز Journal\_science@yahoo.com

### چکیده

نهاد نیروی انتظامی یکی از نهادهای مهم و محوری در سطح جامعه تلقی می شود. این نهاد به عنوان مجری قواعد و برقرار کننده ی نظم و امنیت اجتماعی بوده و پیوسته در ارتباط و تعامل با مردم است. تعامل بین نیروهای پلیس و افراد جامعه نیاز به اعتماد متقابل را دو چندان می سازد. هدف این تحقیق بررسی یکی از مهمترین حقوق متقابل مردم و نیروی انتظامی است که آن حق اعتماد مردم به پلیس و حق حمایت مردم از پلیس می باشد. با توجه به دغدغه های مربوط به حفظ نظم و کنترل اجتماعی در جامعه مدرن، اعتماد عموم مردم به پلیس از اهمیت ویژه ای برخوردار است نهاد نیروی انتظامی نهاد اجتماعی مهمی محسوب می شود، زیرا پلیس دارای اختیار اعمال اقتدار است و می تواند در مواجهه با شهروندان از اجبار استفاده کند. از این رو اعتماد عمومی برای خود پلیس اهمیت دارد زیرا به ویژه در جوامع دموکراتیک، پلیس باید بتواند برای رفتارهای خود از شهروندان مشروعیت کسب کند. بنابراین نیروی انتظامی برای انجام وظایف خود به صورت موثر و کارآمد نیاز دارند که رابطه مطمئنی با شهروندان داشته باشند. در رویکرد جامعه محور امنیت صرفاً وابسته به ساز و کارهای سخت افزاری نیست و رضایتمندی از اقدامات پلیس جلب اعتماد و حمایت عمومی و تبدیل قوانین و مقررات به باور و هنجارهای مورد پذیرش مردم، رمز اصلی موفقیت و اثر بخشی اقدامات قانونی است.

واژه های کلیدی: نیروی انتظامی، امنیت، حقوق متقابل، اعتماد عمومی

## ۱- مقدمه

افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای فراگیر در یکصد سال اخیر، هم کشورهای صنعتی و هم کشورهای در حال توسعه را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخته است. توجه به نقش مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در توانمندسازی انسان‌ها، افزایش بهره‌برداری، کاهش مشکلات شهری و تحقق توسعه، در جامعه ایران که در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن است به عنوان یک مسئله اساسی در مدیریت شهری مطرح است. مردمی شدن فعالیت‌ها و تشکل‌های اجتماعی هدف نهایی توسعه‌هاست. کمتر برنامه‌ریزی ملی و بین‌المللی وجود دارد که یکی از بخش‌های مهم آن مشارکت و انگیزش اجتماعی مردم نباشد. به عبارتی مشارکت از شروط لازم تحقق توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد که به نقش فعال، خلاق و اثربخش مردم در روند توسعه توجه دارد. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سازمانی که در میان سایر بخش‌های حاکمیت نزدیک‌ترین سطح تعامل و برخورد را با مردم دارد، لازم است در اجرای مأموریت‌های خود در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی، بیشترین توجه را به مردم داشته باشد. چنین توجهی در سایه‌ی شناخت مناسب مقوله مشارکت دهی مردم در امر نظم عمومی و امنیت اجتماعی است و ثمره‌ی ارزشمند این امر، کسب اعتماد و جلب رضایت مردم و بالاخره دست‌یابی به احساس امنیت روانی است. تحقیق حاضر با توجه به اهمیت موضوع، ضمن بررسی نظری و بیان مفهوم و ضرورت این رویکرد، به ارزیابی شناسایی شیوه‌های نوین مشارکت مردم و پلیس می‌پردازد.

رشد چشمگیر دانش و فناوری‌های نوین، همراه با تغییرات بنیادین نظام بین‌الملل در نیم قرن گذشته، چهره جهان معاصر را بکلی متفاوت از گذشته ساخته است. توأم شدن این تغییرات با تحولات فرهنگی و اجتماعی، جوامع بشری را، به نسبت‌های متفاوت، با چالش‌های اساسی در حوزه‌های مختلف روبرو کرده و زمینه‌ساز بروز بحران معرفتی در تبیین شرایط زندگی و سازگاری انسانها با آن شده است. در چنین وضعیتی، روشن است که تحقق مشارکت‌های همگانی و مردمی، نیازمند استراتژی پویا و منعطف، برنامه‌ای همه‌جانبه و عزمی راسخ است. از یک سو می‌بایست نگاه قهری پلیس به مردم به مدد رهیافتهای مکتبی اصلاح می‌شد و اعتماد آحاد جامعه به خدمتگزاران خود ارتقا می‌یافت و از طرف دیگر با نگاهی فرابخشی و فراسازمانی، نقش و سهم نهادها و سازمانها یی که در مشارکت‌ها و همکاریهای همه‌جانبه مسئولیت مستقیم یا غیر مستقیم دارند، تعیین می‌شد تا برآیند کارکرد بخشهای مختلف به تولید مشارکت و همکاری متقابل و دوجانبه مردم و پلیس منجر شود. طی سال‌های اخیر، پلیس همواره درصدد رشد رفتارهای مشارکت‌جویانه مردم در حوزه امنیت عمومی بوده است. براین اساس اهتمام پلیس بر این پایه استوار گردیده که به اشکال گوناگون اعتماد شهروندان را نسبت به عملکرد خوب جلب و با نشان دادن کارآمدی خود، مشارکت مردم را در فعالیت‌های مربوط به حوزه نظم و امنیت عمومی افزایش دهد. بنابراین؛ مهمترین هدف پلیس جامعه‌گرا، جلب مشارکت عمومی در راستای حل مشکلات جامعه است. مشارکت از طریق همبستگی مبتنی بر نیاز دو جانبه و شیوه حل مشکل شکل می‌گیرد و در این راستا؛ پلیس برای توفیق در انجام وظیفه با شهروندان و سایر دستگاه‌ها و تشکیلات مشارکت می‌کند. چرا که معتقد است امنیت یک تولید جمعی است که بدون مشارکت مردم و نهادهای اجتماعی محقق نمی‌گردد. با توجه به پیشینه همیاری و مشارکت بهره‌برداری در ایران، به طور حتم رویکرد مشارکت برای مقابله با مسائل و معضلات و شکل‌گیری اندیشه مشارکت در ابعاد زندگی امروز یگانه راهبردی است که بیش از پیش باید مورد دقت و توجه قرار گیرد و قاعدتاً مسئولان و مدیران نقشی مهم و تعیین‌کننده‌ای در این زمینه ایفا می‌کنند. از منظر جامعه‌شناختی مشارکت نوعی فرایند تعاملی چند سویه است. به نظر «سالیا عمر»، مشارکت مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی - اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی بیشتر، فعالیت‌های مشارکت‌جویانه آن دسته از فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آنها روی سیاست‌گذاری اعمال نفوذ کند. توجه به رویکرد مشارکتی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تعامل و همکاری نیروی انتظامی و مردم را افزایش می‌دهد. حاصل توسعه این تعامل و همکاری هم برای سازمان نیروی انتظامی و هم برای مردم دستاوردهای قابل توجهی را به همراه خواهد آورد. در سطح سازمانی، توجه به رویکرد جامعه محوری در اجرای مأموریت‌های مختلف نیروی انتظامی، سبب می‌گردد افراد و گروه‌های اجتماعی در برنامه‌ها و مأموریت‌های نیروی انتظامی که نیاز به همکاری مردم دارد، مشارکت نمایند. در سطح اجتماعی نیز

بالتبع، نتیجه همکاری و مشارکت مردم آثار بسیار سودمندی را برای خود مردم در برداشته و دارد. در واقع، چون هدف تمام مأموریت‌ها و برنامه‌های سازمان نیروی انتظامی آرایه خدمت بهتر به مردم در حوزه نظم و امنیت است، بنابراین هرچقدر مشارکت مردم در اجرای این برنامه‌ها با نیروی انتظامی بیشتر باشد؛ خود مردم بهتر از نتایج حاصل منتفع می‌شوند.

### بیان مسئله و اهمیت و ضرورت مساله :

گسترش دامنه مشترک پلیس با مردم موجب نوآوری، خلاقیت در نظام اجتماعی و انضباط در حوزه امنیت اجتماعی می‌شود. مشارکت پلیس بیگانگی اجتماعی را تقلیل می‌دهد و از ایجاد آثار منفی روحی - روانی در مردم مانند بی‌اعتمادی، بی‌اعتنایی، تکروی، نداشتن تعاون و عدم تحرک در تامین و برقراری امنیت جلوگیری می‌کند و در مقابل همبستگی، تعاون و وحدت ملی را در نظم و انضباط اجتماعی تقویت می‌کند و چنانچه نظام مشارکت پلیس در جامعه به درستی پایه‌گذاری شود، نتایج مثبت دیگری به دنبال دارد که از جمله آنها می‌توان به حاکمیت معنویت و اخلاق بر جامعه، افزایش بهره‌وری در کار، یگانگی بیشتر میان مردم و مواردی نظیر آن اشاره نمود. اگرچه یکی از متداول‌ترین شیوه‌های تامین امنیت اجتماعی در جوامع کمتر توسعه یافته، استفاده از عوامل قهرآمیز است؛ اما به تجربه ثابت شده است به رغم سریع‌الوصول بودن امنیت از این نوع، پایداری و دوام آن کم و ناچیز است. ثبات و پایداری امنیت تنها از رهگذر نهادینه کردن همبستگی و تعاون، آگاهی و اعتماد در یک جامعه و احساس مشارکت و مسئولیت عمومی در قبال امنیت اجتماعی حاصل می‌شود.

از آنجا که سازمان پلیس گسترده‌ترین سازمان اجتماعی است که بیشترین قابلیت دسترسی را برای شهروندان دارد. بنابراین امنیت و احساس امنیت شهروندان در رابطه با حوادث و وقایع مختلف، به پلیس است. بر همین اساس، پلیس به عنوان ملجا و پناهگاه مردم بایستی از ضریب اطمینان قابل قبولی برخوردار باشد تا قابلیت اتکاء اعتماد داشته باشد.

اگرچه اعتماد به پلیس به طور خاص، تمامی زوایا و سطوح زندگی را تحت تاثیر قرار داده و به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی مطرح است اما خود نیز تحت تاثیر متقابل بسیاری از عوامل اجتماعی قرار می‌گیرد که از میان آنها می‌توان به نقش کنترل اجتماعی، بی‌هنجاری و امنیت اجتماعی اشاره کرد. بنابراین سوال اساسی این است که اعتماد متقابل شهروندان و نیروی انتظامی به عنوان یکی از مهمترین حقوق متقابل شهروندان و نیروی انتظامی در چه حدی بوده و تاثیر آن بر عملکرد نیروی پلیس برای ایجاد احساس امنیت در جامعه چقدر است؟ و رویکردهای جدید پلیس برای جلب اعتماد عمومی چیست؟

### نیروی انتظامی و امنیت ملی

یکی از پایه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تأمین امنیت انتظامی است که بر عهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نهاده شده است. ایران کشوری در حال توسعه است و احتمال آسیب پذیری امنیت ملی آن از طرف مسائل داخلی وجود دارد. از این رو، نیروی انتظامی، یکی از نهادهایی است که در نظم بخشیدن به امور داخلی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. نتیجه اینکه تحکیم و استواری امنیت ملی، به تقویت نیروی انتظامی وابسته است و هرگونه تضعیفی که متوجه نیروی انتظامی شود، بر امنیت ملی تأثیر سوء می‌گذارد.

### ویژگی‌های اصیل نیروی انتظامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

#### ۱. اقتدار

یکی از ویژگی‌های مهمی که فرماندهی معظم کل قوا برای نیروی انتظامی بیان فرموده اند، «اقتدار» است. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «نیروی انتظامی باید دارای اقتدار باشد. اقتدار یک امر معنوی است و با صدای کلفت و اسلحه تیز و مشت محکم تفاوت دارد. اقتدارهای ظاهری، در حقیقت اقتدار نیستند. باید وضعیتی به وجود آید که هم نیروی انتظامی در خود احساس قدرت کند، هم آحاد ملت دریابند که پاسدار و حافظ امنیت فردی و اجتماعی آنها، یک مجموعه مقتدر است و می‌تواند از مردم دفاع کند، و هم دشمن مخل امنیت بفهمد که نیروی انتظامی مقتدر و تواناست.»

#### ۲. عزت

عزت، دومین ویژگی تبیین شده از سوی مقام معظم رهبری برای نیروی انتظامی مطلوب است؛ یعنی اینکه نیروی انتظامی با پاک دامنی، پرهیزکاری و آلوده نشدن به جرایم گوناگون و مادیات، در چشم مردم عزیز باشد. ایشان در این خصوص می‌فرماید:

فرماید: «نیروی انتظامی باید در چشم مردم عزیز باشد. این عزت، از رفتار نیروی انتظامی و چگونگی انجام وظیفه او ناشی می شود. عزت نیروی انتظامی به این است که پارسایی و پاک دامنی در تمام ارکان آن مشاهده شود و همه احساس کنند که این نیرو، پاک دامن است و خود را آلوده نمی کند و برای عوض های قلیل و حقیر مادی و پست، ارزشی قائل نیست. این یک امر روحی و معنوی است که برای نیروی انتظامی عزت خواهد آورد».

### ۳. احساس مهربانی و خدمت به مردم

رأفت و رحمت، از صفاتی است که باید در نیروی انتظامی نمود عینی بیابد. از این رو، نیروی انتظامی باید در کنار اینکه مأموریت های خود را با اقتدار انجام می دهد، در برخورد با مردم با مهربانی رفتار کند. فرماندهی معظم کل قوا در همین راستا می فرماید: «باید در مورد مردمی که می خواهید از خانه، جاده، امنیت مرز و کسب و کار آنها محافظت کنید، احساس رأفت و رحمت داشته باشید. مردم باید این معنا را لمس کنند که همان نیروی مقتدر و با صلابتی که در مقابل مخلّ امنیت، با کمال قدرت و صلابت می ایستد، وقتی با مردم و افراد مظلوم مواجه می شود، با رحمت و رأفت برخورد می کند».

### ۴. دقت و مراقبت در انجام وظیفه قانونی

یکی از وظایف بسیار مهم نیروی انتظامی، برقراری نظم، اجرای قوانین و برخورد با قانون شکنان است. از این رو، کسی که می خواهد با قانون شکن برخورد کند، خود باید وظایف قانونی اش را به خوبی انجام دهد. مقام عظمای ولایت، حضرت آیت الله خامنه ای در خصوص این ویژگی می فرماید: «این دقت و مراقبت، از یک سو موجب می شود هیچ یک از وظایف قانونی شما لوٹ نشود... و از سوی دیگر، موجب می شود هیچ گونه تخلف و تخطی ای انجام نگیرد».

### ۵. درستکاری و امانت داری

با توجه به اهمیت برقراری نظم و امنیت داخلی و نقش نیروی انتظامی در این خصوص، لازم است همه ایرانیان به این نهاد، اعتماد و اطمینان خاطر داشته باشند. چنین امری، رفتار درست، منحرف نشدن در انجام وظیفه و امانت داری نیروی انتظامی را می طلبد. در سایه وجود چنین صفاتی در کارکنان آن، اعتماد عمومی و همکاری مردم با این نیرو گسترش خواهد یافت. فرماندهی معظم کل قوا در مورد این ویژگی می فرماید: «امروز مردم شما را امین می شمارند. در دوران انقلاب، نیروهای انتظامی امین مردمند. باید به وظیفه این امانت به طور کامل عمل کنید. آن کسانی که خدای ناکرده در این کسوت مقدس، بر خلاف مقتضای امانت عمل می کنند، باید وجدانشان به شدت سرافکنده باشد».

### ۶. دفاع از ارزش های اسلامی

یکی از والاترین وظایف و ویژگی های نیروی انتظامی، پاسداری از ارزش های اسلامی است. نیروی انتظامی باید با کسانی که ارزش های اسلامی و دستاوردهای انقلاب را خدشه دار می سازند، برخورد و مقابله کند. مقام معظم رهبری در مورد این وظیفه مهم می فرماید: «بزرگ ترین وظیفه نیروی انتظامی، حفظ ارزش هاست. هرگاه مردم، یک نفر از شما را - چه در پاسگاه های دورافتاده و در خیابان های مرکز کشور و چه در شهرها و روستا و جاده - مشاهده کنند، باید مظهری از تقوا و پرهیزکاری و معنویت و دوری از فساد و دشمنی با هرگونه کج روی را در وجود شما ببینند. آن کسی که اهل فساد و بی تقوایی و رشوه دادن و رشوه گرفتن است، باید از شما بترسد و آن کسی که متقی است، باید با دیدن شما شاد و دل گرم و امیدوار بشود و احساس کند محیط جامعه، محیط خوبی است و می شود در آن تنفس و زندگی کرد». ایشان همچنین در جای دیگری می فرماید: «اگر مجموعه ای با قدرت و عزت در میان مردم ظاهر شد، همه باید بدانند که این مجموعه، بنا دارد از ارزش های اسلامی دفاع کند. در درون نیروی انتظامی باید ارزش های اسلامی، معیار و میزان باشد».

### نیروی انتظامی و تعامل با مردم

هم بستگی، انسجام ملی و عمومی و نیز آرامش گسترده، حاصل وجود نظام عقیدتی مسلط در جامعه است. هر قدر نیروی انتظامی بتواند با این نظام، صادقانه مرتبط شود، با آن احساس همدلی کند و خود را متعلق به آن بداند، اعتماد عمومی را بیشتر به خود جلب خواهد کرد.

نیروی انتظامی باید در این راستا، به وضعیتی خاص برسد؛ یعنی در عین حفظ استقلال، فاصله بسیار کمی با مردم داشته باشد. لازمه تحقق این امر مهم آن است که دولت در تصحیح نگرش مردم راجع به نیروی انتظامی تلاش کند تا زمینه همکاری مردم و پلیس فراهم آید. در حال حاضر با اقدامات صورت گرفته در ایجاد زمینه هایی مناسب در ابعاد فرهنگی و تبلیغی، میزان تعامل مردم و نیروی انتظامی، افزایش چشم گیری داشته و مهم ترین اثر آن، کاهش ارتکاب جرایم و متلاشی شدن باندهای کوچک و بزرگ بزهکاری در سطح جامعه بوده است

### پلیس و حقوق شهروندی:

الف: احترام پلیس به حقوق شهروندی

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای (مد ظله العالی) در خصوص خواسته و توقع مردم از پلیس می فرماید: مردم می خواهند نیروی انتظامی مودب و اهل بیان و تفاهم با مردم باشد. از مصادیق ادب و احترام، رعایت حرمت و احترام از سوی ماموران پلیس است. این احترام به صورت های گوناگونی می تواند تجلی پیدا کند. مصادیق و ابعاد و شاخص های این متغیر عبارت اند از:

حفظ حرمت و حیثیت شهروندان، برخورد و رفتار خوب با شهروندان، صداقت داشتن پلیس در برخورد با شهروندان، پاسخگو بودن پلیس به شهروندان، امانت داری پلیس نسبت به اظهارات شاکی، متهم و گواه، ترتیب اثر دادن به پیشنهاد های شهروندان، رعایت حقوق شهروندان در کشف و تعقیب جرائم، استاندارد سازی رفتار پلیس، حفظ حریم خصوصی و عمومی شهروندان، پرهیز از خشونت رفتاری برخورد با شهروندان.

اصولاً شاخص های احترام پلیس به حقوق شهروندی را می توان به دو دسته ایجابی و سلبی تقسیم کرد. از جمله شاخص های ایجابی احترام پلیس به مردم را می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. برخورداری از امنیت
۲. برخورداری از کرامت
۳. حق دسترسی به اطلاعات
۴. برخورداری از حق برابری
۵. حق دفاع از جان، مال و ناموس
۶. حق تظلم خواهی

در مقابل شاخص های ایجابی برخی از شاخص های سلبی پلیس عبارت اند از:

۱. بی اعتبار کردن: جای فرد پاسخ دادن، سخنان شخصی را قطع کردن، بی اعتنائی کردن
۲. ارعاب: تهدید کردن، هراساندن، قلدری کردن و تشر زدن
۳. انتقاد کردن: عیب جوئی، ملامت کردن، نفی کردن و غر زدن
۴. واپایش کردن: جلو گیری از تصمیم گیری مستقل فرد، تحکم کردن، سلطه گری و تحمیل عقاید
۵. قضاوت کردن: برانگیختن احساس گناه و شرمساری در فرد
۶. بدنام کردن: تهمت و افترا زدن، رسوا کردن، افشا گری کردن
۷. فریب دادن: دروغ گفتن، حقه زدن
۸. خیانت کردن: صادق نبودن، وفادار نبودن
۹. توهین کردن: گستاخی کردن، ناسزاگویی
۱۰. هرنوع تغییر در لحن صدا: اشارات و تغییر در چهره که پیام آن چنین است: من مهم تر از تو هستم

ب: وظایف پلیس در پرتو حقوق شهروندی:

- ۱-قانون گرایی

تردید نیست که رعایت حقوق شهروندی پلیس از طریق توجه به مبانی شرعی و قانونی امکان پذیر است و جامعه انتظار دارد پلیس به عنوان مجری قانون از اصول و موازین قانونی عدول ننماید، پس ماموران پلیس به هیچ وجه حق مداخله خودسرانه، توسیع دایره جرائم و تفسیر قوانین کیفری را ندارند و صرفاً باید در چارچوب قانون انجام وظیفه نمایند.

## ۲- برائت محوری:

یکی از اصول مسلم شرعی و قانونی نظام جمهوری اسلامی ایران، اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

دستگاه پلیسی هر کشور، که تکلیف کشف و تشکیل عناصر تشکیل دهنده یک پرونده کیفری یا موضوع مستلزم تحقیق را برعهده دارد، می تواند در پی ریزی یک پرونده اتهامی غیرقانونی و غیرمنصفانه نقش اساسی ایفا می کند. به نحوی که حتی دستگاه قضایی به یک روند ناخواسته هدایت گردد، بنابراین آموزش دستگاه پلیسی و امنیتی یک کشور و التزام آنها به اصل برائت کیفری در ترویج و گسترش احساس امنیت افراد جامعه، فرهنگ قانون مداری و کاهش هزینه ها و کمیت پرونده های اتهامی در دستگاه قضایی بسیار حائز اهمیت است.

## پ: پلیس جامعه محور

با توجه به تغییر و تحول در جوامع کنونی در عرصه های مختلف، سازمان ها و نهاد های پلیسی و انتظامی نیز از این تغییرات مصون نمانده و برای ایفای کارکردها و نقش های جدیدی که به عهده ی آنها گذاشته شده اشکال جدیدی به خود گرفته اند. در بررسی متون مختلف به دو نوع پلیس اشاره شده است: پلیس سنتی و پلیس جامعه محور. در رویکرد پلیس سنتی، نظم برابند روابط غیر شخصی بین پلیس و شهروندان ساختار رهبری شبه نظامی و تاکید و حضور پررنگ تر و واکنش سریع به فعالیت های مجرمانه با هدف ایجاد آرامش است. پلیس جامعه محور را می توان رویکردی انسانی به امر پلیسی کردن و پارادایمی نو در حوزه مسائل انتظامی به شمار آورد که از دهه ۱۹۹۰ به رویکردی غالب در بیشتر کشور ها تبدیل شده است. در این پارادایم پلیس علاوه بر برخورداری از حمایت قانونی و سیاسی امنیت را با مشارکت مردم و با هدف بالا بردن احساس آرامش و رضایتمندی آن ها تامین می کند. البته این مفهوم به گونه ای است که تعریف عملیاتی واحد و عموماً پذیرفته شده ای از پلیس جامعه محور وجود ندارد. ولی به رغم وجود تفاوت های اندک در هر یک از این تعاریف ایده ی اصلی پارادایم پلیس جامعه محور آن است که پلیس و شهروندان برای حل مشکلات باید با همدیگر همکاری و تشریک مساعی کنند و پلیس جامعه محور دارای ویژگی های زیر است:

۱. تمرکز زدایی از اقتدار و راهبردی نگرهبانی (گشت زنی) به منظور تقویت روابط بین پلیس و شهروندان
۲. تعهد به برقراری نظم با رویکرد مسئله محور
۳. فراهم آوردن فرصت لازم برای مشارکت عموم مردم در تعیین اولویت های کاری پلیس و تاکتیک ها
۴. توانمند سازی اجتماع به منظور کمک به رفع و حل مشکلات جرم و بی نظمی از طریق حمایت از برنامه های پیشگیری از جرم.

مشارکت و دخالت دادن مردم در امور امنیتی مبتنی بر این است که اعتماد تقابل بین پلیس و شهروندان وجود داشته باشد زیرا پلیس نمیتواند به تنهایی جامعه ای مطمئن و سالم ایجاد کند چرا که ایجاد نظم و امنیت بسیار پرهزینه و در عین حال ناپایدار است. بلکه پلیس و جامعه با شکل دادن فعالیت های محلی داوطلبانه میتوانند به پیشگیری از جرایم و بزه کاری کمک کنند و در این نقش پلیس و شهروندان در حکم دستیارانی برای همدیگر تلقی می شوند. برخی از نظریه پردازان عمده پلیس براین باورند که دوره اعتقاد به این مسئله که هرچه تعداد پلیس و سرعت عمل آن بیشتر باشد معضل جرم و ترس از آن حل خواهد شد به سر آمده و جای خود را به دوره ای داده که در آن تشریک

مساعی بین پلیس و مردم فزونی گرفته است. در دوره جدید بهترین شیوه جلوگیری از توسعه جرم، آموزش و اطلاع رسانی به مردم جامعه و مشارکت آنها در تامین امنیت است.

### دلایل استفاده از پلیس جامعه محور:

۱. اولین و مهم ترین دلیل استفاده از پلیس جامعه محور این است که تعامل پلیس و شهروندان موجب حضور بیشتر پلیس در بین مردم می شود و از طریق نوعی احساس امنیت و فراغ خاطر به شهروندان به وجود می آید.
۲. از آنجایی که پلیس به طور بسیار فعال با مردم همکاری و تشریک مساعی می کند، موجب افزایش رضایتمندی شهروندان می شود و هرچه رضایتمندی شهروندان از پلیس بیشتر باشد ترس شهروندان از جرم کاهش می یابد. پلیس اجتماع محور، دید و نگرش شهروندان را نسبت به پلیس بهبود بخشیده است. اگر رفتار پلیس به عنوان ضامن امنیت و آرامش مردم، ناعادلانه و ناشایست ارزیابی شود امکان دارد منجر به اتخاذ برداشتهایی شود که متضمن احساس ناامنی است زیرا شهروندان دیگر ایمان و اعتقادی به عملکرد کنترل اجتماعی پلیس ندارند.
۳. هنگامی که پلیس با شهروندان از طریق گروههای محلی همسایگی، فعالیت های نوجوانان، مدارس و .. تعامل می کند این همکاری و مشارکت پیوندهای واقعی بین پلیس و شهروندان را تقویت و تحکیم کرده، بنابراین ترس از جرم شهروندان را تقلیل می دهد. همکاری و تعامل روز افزون پلیس با شهروندان به طور مستقیم از طریق افزایش احساس اثر بخشی و کارایی شهروندان، تحکیم روابط بین همسایگان و دخالت دادن آنها در در امور همسایگی و شهر، احساس ترس و ناامنی آنها را کاهش می دهد. مشارکت شهروندان در گروه های پایش محل، آموزش نوجوانان و برنامه های پاکسازی، احساس همبستگی اجتماعی شهروندان را افزایش داده و به کاهش ترس و افزایش احساس امنیت آن ها کمک می کند.

### جلب اعتماد مردمی و ضرورت حمایت شهروندان از پلیس

پلیس مهمترین نهاد نظارت اجتماعی می باشد این نیرو، در کشورهای دموکراتیک انحصار شروع به کارگیری زور و اجبار و خشونت علیه بی نظمی را برعهده دارد با این حال پلیس اساساً برای موفقیت در انجام وظایف خود به همکاری و حمایت شهروندان متکی است. بدون حمایت عموم مردم پلیس توانایی حل و فصل جرایم، کاهش مشکلات و حفظ نظم و همکاری در راستای جلوگیری از جرم را ندارد. اعتماد و اطمینان مردم به پلیس سنگ بنا و محور هر نوع همکاری عمومی برای مشروعیت پلیس در جوامع است. برای ایجاد اعتماد باید تمهیداتی در نظر گرفته شود تا مردم در کنار هم احساس امنیت کنند. امنیت را زمانی میتوان برقرار کرد که از یک طرف موارد خلاف هنجار برطرف شود. از سوی دیگر ثبات در کلیه ارکان جامعه به ویژه در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاصل شود. احساس امنیت در فضای تعاملی بین کنش گران اجتماعی معنا می یابد. در عین حال، زمانی که افراد نسبت به فضای بیرونی و پیرامونی خود خوش بین نبوده یا فضای جامعه را نا امن تلقی کنند، در چنین وضعیتی احساس عدم امنیت در بین افراد جامعه ایجاد می شود. وجود اعتماد نسبت به نهادها به ویژه نهاد نیروی انتظامی در این احساس ناامنی و خوش بینی نسبت به فضای اخلاقی جامعه موثر است. برخی از شاخصهای اعتماد به پلیس عبارت اند از: افزایش یا کاهش میزان احساس ناامنی، میزان رضایت یا نارضایتی از امنیت موجود، افزایش یا کاهش جرایم و مجرمان، نوع نگاه مردم به دولت و ماموران آن، اطاعت قانونی از دستورات قانونی ظابطان و ماموران ناجا، میزان بدگمانی و بدبینی یا خوش بینی به عملکرد پلیس، میزان اعمال دقیق قانون و مقررات به بی توجهی به اجرای قانون در جامعه، رعایت قوانین و مقررات توسط مردم و توجه به فرمان پلیس.

### رویکردهای جدید پلیس در زمینه پیشگیری انتظامی عبارتند از:

رویکرد نظم مداری: در پیشگیری انتظامی، کارکرد پلیس تنها به کشف و سرکوب جرایم منحصر نمی شود بلکه ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرجعها و جرایم خرد نیز از وظایف پلیس محسوب می شود؛ زیرا پیشگیری انتظامی اساساً از یک رویکرد کنشی و پیش جنبایی تبعیت می کند و از رهگذر برقراری نظم درصدد ایجاد جامعه ای امن برمی آید.

رویکرد مشارکت پذیری: در پیشگیری انتظامی سعی بر آن است که با به کارگیری شیوه‌های جلب مشارکت‌های مردمی از مشارکت‌های مردمی در ایجاد نظم و امنیت استفاده شود و حفظ نظم و امنیت از یک پدیده رسمی و آمرانه به یک پدیده مشارکت محور تبدیل شود.

رویکرد شهروندمداری: پلیس سنتی با تأکید بر ایجاد امنیت در جهت تحقق یک جامعه «قلعه گونه» حرکت می‌کرد؛ اینک اما، در مقابل امنیت‌مداری پلیس سنتی؛ رویکرد پیشگیرانه مدعی حفظ حقوق شهروندی و احترام به حقوق و آزادی‌های فردی است؛ در این رویکرد با تأکید بر جنبه‌های کنشی نهاد پلیس؛ هدفی همچون حفظ امنیت به تدریج به حفظ نظم تبدیل شده و حقوق شهروندی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردیده است. در خصوص مبانی و منابع این رویکرد در نظام پلیسی ایران می‌توان به قانون حقوق شهروندی اشاره نمود.

رویکرد دانایی محوری: رویکرد پیشگیری انتظامی با ارتقای سطح دانش پیشگیری از جرم در میان افراد نیروی پلیس و آموزش راهکارهای تخصصی پیشگیری از جرم به آنها در جهت تحقق خصیصه دانایی محوری حرکت می‌کند؛ این در حالی است که پلیس سنتی از رویکردهای قهرآمیز و قدرت محور استفاده می‌کرده است.

رویکرد رویت‌پذیری: در رویکرد پیشگیرانه به حضور مظاهر دولت و حاکمیت در جامعه و نقش آن در حفظ نظم و امنیت تأکید می‌شود از اینرو نیروی پلیس با رویت‌پذیری در سطح جامعه از یک سو هزینه ارتکاب جرم را در نزد بزهکاران احتمالی بالا می‌برد و از سوی دیگر احساس ترس از جرم را در میان شهروندان جامعه کاهش می‌دهد.

رویکرد میانجیگری: نهاد پلیس نه تنها بایستی پس از خاتمه درگیری‌ها و منازعات به عنوان ضابط قضایی مداخله نماید بلکه این نهاد بایستی همچنین با حضور در میان افراد جامعه به حل و فصل درگیری‌ها و اختلافات بپردازد و نقش میانجیگری را به درستی ایفاء کند.

رویکرد آموزشی: در پلیس سنتی نقش آموزشی پلیس در روابط این نهاد با افراد جامعه بسیار کم رنگ است؛ اما در رویکرد پیشگیرانه؛ یکی از شیوه‌های مناسب برای آموزش روش‌های پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی به افراد جامعه، استفاده از نیروی پلیس به عنوان یک نهاد آموزشی است.

رویکرد سرعت‌پذیری و دقت در مداخله: مداخله پلیس در بحرانهای اجتماعی یکی از راهکارهای کاهش تلفات و هزینه‌هاست اما مداخله پلیس در بحرانهای اجتماعی باید مبتنی بر سرعت‌پذیری و دقت در تصمیمات باشد؛ زیرا کندی نیروهای پلیس و تصمیمات نادرست آنها نه تنها باعث کاهش تلفات و هزینه‌ها نمی‌گردد بلکه می‌تواند منجر به افزایش اثرات و تبعات اینگونه بحرانها گردد.

رویکرد تفکیک‌پذیری: نیروی پلیس برای تحقق اهداف پیشگیرانه باید از یک سیاست افتراقی در مورد مخاطبان خود استفاده نماید؛ این سیاست افتراقی که در حوزه فعالیت‌های پلیسی اعمال می‌گردد و مبتنی بر یافته‌های جرم‌شناختی است؛ تحت عنوان سیاست افتراقی انتظامی مشخص می‌گردد.

### نتایج و پیشنهاد:

۱. پیشنهاد می‌شود با تشکیل کارگروهی در معاونت اجتماعی نیروی انتظامی که ارتباط تنگاتنگی با مردم داشته باشد، به صورت ماهانه به آسیب‌شناسی علل تعاملات نادرست و مخدوش کننده نیروهای پلیس با مردم و همچنین ارائه راهکار برای حل آن، بپردازد تا در دستیابی به مشارکت مردم با پلیس، کوتاهی‌های احتمالی نیروهای پلیس شناسایی و برای رفع آن تلاش شود.
۲. پیشنهاد می‌شود معاونت اجتماعی نیروی انتظامی با استفاده از اساتید مجرب به آموزش مداوم نیروهای خود در قالب دوره‌های یک روزه، در زمینه راه‌های هر چه بیشتر جلب رضایت شهروندان و همچنین شیوه‌های برخورد موثر با شهروندان بپردازد.
۳. ضرورت دارد سازمان پلیس به مطالعه فرهنگ سازمانی و ساختار سازمانی خود پرداخته و ضمن به روز نمودن آن، با بکارگیری پرسنل تحصیلکرده در سازمان، آموزش مهارت‌های ارتباطی بین فردی



- به پرسنل و آموزش تنوع فرهنگی به آنها زمینه های مشارکت و همکاری مردم با پلیس را فراهم نمایند .
۴. ایجاد واحد های مشاوره و مددکاری در واحد های مختلف پلیسی ، تفکیک امور مربوط به قضایی و حقوقی از عملیات انتظامی و پیشگیری و ایجاد زمینه ارتباط مستمر و نزدیک کلانتری ها با مردم در جهت جلب مشارکت آنها.
۵. استفاده از پرسنل مجرب در کلانتری ها ، اپراتوری های ۱۱۰ و بازرسی ۱۹۷ و تلاش در رسیدگی به خواسته ها و شکایت های مردمی و رفع آنها ، تنظیم صحیح گزارشات مردمی جهت ایجاد رضایت شهروندان و مشارکت آنها با پلیس .
۶. برگزاری دوره های آموزشی شغلی به تفکیک وظایف و مسئولیت های برای کارکنان و پرسنل پلیس جهت تعامل و هماهنگی بیشتر با شهروندان از حیث جلب مشارکت های مردمی .
۷. میزان همکاری و مشارکت افراد جامعه با پلیس در گروه اخلاق و برخورد پلیس با شهروندان است . زبان و کلام پلیس که عناصر نحوه برخورد پلیس را تشکیل می دهد مهمترین ابزار پلیس جهت ایجاد ارتباط با مردم می باشد . ضرورت دارد پلیس رفتاری مناسب ، تکلم صحیح و بانزاکت همراه با خویشتن داری و سعه صدر زمینه ها و توسعه مشارکت مردم را فراهم نماید .
۸. با توجه به نقش موثر سازمان های مردم نهاد در تقویت مشارکت مردم، پیشنهاد می شود، سازمان های که مجوز سازمان های مردم نهاد را صادر می کنند با ساماندهی هدفمند ارائه مجوز تاسیس موسسات غیردولتی، در راستای تقویت مشارکت هرچه بیشتر شهروندان گام بردارد و با نظارت بر اجرای برنامه های این موسسات، راه را برای داشتن شهروندان فعال هموار کند. و پیشنهاد می گردد این سازمان ها با دعوت و گردهم آوردن سازمان های مردم نهاد و طرح دغدغه و ضرورت مشارکت مردم با پلیس، سهم داوطلبانه و مشخص هر NGO در تقویت مشارکت تعیین و کمک به این موسسات در راستای این مهم سازماندهی شود.
۹. ارائه گزارش عملکرد به مردم با اطلاع رسانی درست و به موقع از فعالیت های پلیس و ارائه تصویر مثبت ، فعال و موفق از او در رسانه ها جهت ایجاد رضایت شهروندان و فراهم نمودن زمینه مشارکت های مردمی
۱۰. وسایل ارتباط جمعی بخصوص تلویزیون و رادیو از جمله عوامل مهمی در ایجاد روحیه مشارکت در مردم هستند. وسایل ارتباط جمعی موجب افزایش پدیده های تحت عنوان تحرک روانی میگردد و در بین مردم همدلی ایجاد میکند و در نهایت منجر به مشارکت مردم با پلیس می گردد .
۱۱. تأسیس و به کارگیری پلیس محلی؛ پلیس محلی دارای مأموریت حفظ نظم و آرامش است. جهت تحقق اهداف پلیس محلی می توان به افزایش ایستگاهها یا پست های کوچک پلیس در محله های جرمزا پرداخت. این ایستگاه های پلیس محلی با همکاری شهروندان داوطلب، مردم را در زمینه پیشگیری از جرم توجیه و از روش های مختلف آن آگاه می کنند و از این طریق نظم را در منطقه برقرار می نمایند. هدف های پلیس محلی عبارتند از؛ کاهش احساس ناامنی، مهار و کنترل جرایم خرد و افزایش اعتماد به پلیس.
۱۲. گسترش و تقویت استفاده از پلیس اطفال و نوجوانان؛ پلیس اطفال و نوجوانان بایستی در مکان های پررفت و آمد اطفال مستقر گردیده، با استفاده از راهکارهای جلب اعتماد و همکاری، به ارائه آموزش های لازم بپردازد و از اطفال و نوجوانان در مقابل ارتکاب جرایم حمایت نماید. گسترش و تقویت استفاده از این پلیس مستلزم ارائه آموزش های تخصصی به پلیس اطفال و ارتقای دانش و

- مهارت آنان در انجام وظایف مرتبط با اطفال و نوجوانان است. این پلیس از سازو کارهای فنی پیشگیرانه جهت کاهش بزه‌دیدی و بزهکاری اطفال و نوجوانان استفاده می‌نماید.
۱۳. گسترش و تقویت استفاده از پلیس زنان؛ وجود تفاوت‌های فیزیولوژیکی و روانشناختی در زنان نسبت به مردان منجر به تفکیک جرم‌شناختی میان بزهکاری و بزه‌دیدی آنان نسبت به بزهکاری و بزه‌دیدی مردان شده است؛ از اینرو جهت شناسایی زمینه‌های بزهکاری و بزه‌دیدی زنان و پیشگیری از آن‌ها باید دسته خاصی از نیروی پلیس موسوم به پلیس زنان از آموزش‌های تخصصی در این زمینه بهره‌مند گردیده و با استفاده از ساز و کارهای پیشگیرانه خاص به پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدی زنان مبادرت نماید.
۱۴. گسترش و حمایت از پلیس پیشگیری؛ پلیس پیشگیری که از نهادهای تازه تأسیس نیروی انتظامی است باید از دانش و مهارت‌های خاص در زمینه مبانی و ساز و کارهای پیشگیری از جرم بهره‌مند گردد. این پلیس باید از موقعیت سازمانی روشن و واضحی برخوردار بوده، نحوه تعامل مطلوبی با سایر افراد نیروی پلیس داشته باشد.
۱۵. الزامی نمودن تشکیل پرونده شخصیت در مرحله کشف و تعقیب جرم؛ طبق آموزه‌های جرم‌شناختی توجه به ویژگی‌های فردی اعم از سن، جنسیت، شخصیت و همچنین سوابق کیفری و غیرکیفری مظنونین و متهمین، نقش بسزایی در رفتار مناسب با آنان و تحقق اهداف پیشگیری کیفری نظیر جلوگیری از برچسب‌زنی و پیشگیری از تکرار جرم دارد.
۱۶. تشکیل و به کارگیری پلیس قضایی؛ پلیس قضایی، نوعی کارشناس مسائل قضایی است که در زمینه بزهکاری حرفه‌ای و پس از ارتکاب جرایم فعالیت می‌نماید. در صورت فقدان پلیس قضایی رسیدگی سریع و دقیق و تعقیب جرایم انجام نمی‌گیرد و پیشگیری از تکرار جرم تحقق نمی‌یابد.

#### فهرست منابع:

- اسکوگان، و سلی، جی (۱۳۷۶). مشارکت اجتماعی و مراقبت اجتماعی همگانی. ترجمه ابراهیم مسعود نیا، تهران: آشنایی افتخاری، اصغر (۱۳۸۲). ساختار اجتماعی امنیت: مطالعه موردی جامعه ایرانی. چکیده مقالات همایش امنیت اجتماعی. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- آقابییگی، علیرضا (۱۳۸۶). پلیس و کارکرد امنیت عمومی: چشم اندازی به راهکارهای تقویت و تحکیم مناسبات متقابل پلیس و مردم. مجموعه مقالات همایش پلیس - مردم. مشهد: دفتر تحقیقات و مطالعات کاربردی فرماندهی انتظامی خراسان رضوی.
- رفیعی، فرشاد (۱۳۸۷). آسیب شناختی سازمانهای مردم نهاد. همایش توانمند سازی سازمان های مردم نهاد، کرمان
- سریرافراز، محمد، پیش گیری از وقوع جرم و فعایت بسترساز برقراری جامعه ایمن - تهران؛ نشر شهر ۱۳۸۸
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹). مشارکت در اداره امور شهرها. تهران: سازمان شهرداری های کشور.
- گای، دارام (۱۳۷۱). توسعه مشارکتی. ترجمه عصمت قائم مقامی، مجله روستا، شماره چهارم، تهران
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی. نامه پژوهش سال اول، شماره ۱، تهران